

مقایسه ویژگی‌ها و اختلال‌های شخصیت و راهبردهای مقابله‌ای معتادان خودمعرف و گروه بهنجار

دکتر عباس بخشی‌پور رودسری^۱، دکتر مجید محمود علیلو^۲، سید سجاد ایرانی^۳

The Comparison of Personality Traits, Personality Disorders, and Problem-solving Strategies in Self-introduced Addicts and Normal Population

Abbas Bakhshipour R.*¹, Majid Mahmood Alilou^a, Seyed Sajjad Irani^b

Abstract

Objectives: This study was carried out to compare the personality traits, personality disorders, and problem-solving strategies in self-introduced addicts and the normal population. **Method:** 50 self-introduced addicts, who had presented for the first time to the addicts' health center in the city of Rasht, Iran, were compared to 50 normal subjects who were matched on some demographic characteristics in a descriptive cross-sectional study. Data were gathered using the NEO Five-Factor Inventory- Revised (NEO-FFI-R), the Millon Clinical Multiaxial Inventory-II (MCMI-II), and Problem-Solving Strategies Questionnaire. Data were analyzed using correlation coefficient and multi-factor analysis of variance. **Results:** Addicts scored higher than normal people on the measure of neuroticism (N), and lower on measures of agreeableness (A), openness (O), and conscientiousness (C) ($p < 0.05$). No significant difference was showed on the measure of extraversion (E) between the two groups. There was a significant difference in most measures of personality disorder between the self-introduced addict group and the normal group; with the addict group scoring higher in these measures ($p < 0.05$). Moreover, addicts, in comparison with normal individuals used non-constructive problem-solving strategies such as avoidance and helplessness ($p < 0.05$).

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف مقایسه ویژگی‌های شخصیتی، اختلال‌های شخصیت و راهبردهای مقابله‌ای (مبتنی بر شیوه‌های حل مسأله) در معتادان خودمعرف و گروه بهنجار انجام شده است. **روش:** ۵۰ نفر معتاد خودمعرف که برای نخستین بار به مرکز درمانی معتادان بهزیستی شهر رشت مراجعه کرده بودند در یک بررسی توصیفی-مقطعی با ۵۰ نفر از افراد بهنجار که از نظر برخی ویژگی‌های جمعیت شناختی با یکدیگر هم‌تا شده بودند، مقایسه شدند. برای گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه نئو (فرم تجدیدنظرشده کوتاه) (NEO-FFI-R)، مقیاس چندمحوری بالینی میلون-۲ (MCMI-II) و مقیاس سبک حل مسأله (PSS) به کار برده شد. داده‌های گردآوری شده به کمک ضریب همبستگی و تحلیل واریانس چندمتغیره تحلیل شدند. **یافته‌ها:** معتادان در مقایسه با گروه بهنجار در بعد شخصیتی روان‌رنجورخویی (N)، نمره بالاتر و در ابعاد شخصیتی دلپذیربودن (A)، انعطاف‌پذیری (O) و باوجدان‌بودن (C) نمره پایین‌تری به دست آوردند ($p < 0.05$). در بعد شخصیتی برون‌گرایی (E) بین دو گروه تفاوتی دیده نشد. بین گروه معتادان خودمعرف و گروه بهنجار در بیشتر شاخص‌های آسیب شخصیت تفاوت معنی‌دار دیده شد و معتادان در این شاخص‌ها به نمرات

^۱ دکترای تخصصی روانشناسی بالینی، استادیار دانشگاه تبریز، تبریز، بلوار ۲۹ بهمن، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، گروه روانشناسی، دورنگار: ۰۹-۳۳۵۶۰۰۹ (نویسنده مسئول). E-mail: abakhshipour@msn.com. ^۲ دکترای تخصصی روانشناسی بالینی، استادیار دانشگاه تبریز؛ ^۳ کارشناس ارشد روانشناسی، بخش تحقیقات سازمان امور زندان‌های استان گیلان.

* Corresponding author: PhD. in Clinical Psychology, Assistant Prof. of Tabriz University. Faculty of Psychology and Educational Sciences. Tabriz University, 29 Bahman Bolvard, Tabriz, Iran, IR. Fax: +98411-3356009. Email: abakhshipour@msn.com; ^aPhD. in Clinical Psychology, Assistant Prof. of Tabriz University; ^bMA. in Psychology, Research Department, Prisons Organization of Gillan Province.

Conclusion: An assessment of the three over-lapping areas of personality traits, problems, and disorders in addicts contributes important information for a better differentiation and definition of addicts and has implications for their treatment.

Keywords: personality traits; personality disorders; problem-solving; addiction

[Received: 27 August 2007; Accepted: 14 April 2008]

بالاتری دست یافتند ($p < 0/05$). هم‌چنین معتادان در مقایسه با گروه بهنجار، بیشتر شیوه‌های حل مسأله غیرسازنده مانند پرهیز و درماندگی را به کار می‌بردند ($p < 0/05$). **نتیجه‌گیری:** ارزیابی سه حوزه هم‌پوش ویژگی‌ها، مشکلات و اختلال‌های شخصیت در معتادان دربردارنده اطلاعات مهمی برای تعریف، شناسایی و درمان این گروه است.

کلیدواژه: ویژگی‌های شخصیتی؛ اختلال شخصیت؛ حل مسأله؛ اعتیاد

[دریافت مقاله: ۱۳۸۶/۶/۵؛ پذیرش مقاله: ۱۳۸۷/۱/۲۶]

مقدمه

در ۵۰ سال گذشته، تلاش‌های بسیاری در راستای بررسی ارتباط سوء مصرف مواد و سازه‌های شخصیت انجام شده است. فرض وجود یک شخصیت یا منش اعتیادی^۱ در مفاهیم روان‌کاوی از وابستگی به مواد ریشه می‌گیرد. در سومین چاپ راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی^۲ (انجمن روانپزشکی آمریکا^۳، ۱۹۸۰) مصرف مواد و اختلال‌های شخصیت در محورهای جدا از هم جای گرفتند و از آن هنگام، پژوهش درباره همبودی مصرف مواد و اختلال‌های شخصیت، به دلیل اهمیت آن در پیش‌آگهی ضرورت یافت. در بیشتر بررسی‌های انجام‌شده، همبودی اختلال‌های شخصیت و وابستگی به مواد گزارش شده و همبستگی ۰/۴۴ تا ۰/۷۹ برای سوء مصرف الکل و مواد اعلام گردیده است (بال^۴، ۲۰۰۵؛ والتون^۵ و رابرتز^۶، ۲۰۰۴؛ کروگر^۷، ۲۰۰۲). همبودی سوء مصرف مواد و اختلال‌های شخصیت، تشدید علائم روانپزشکی و افزایش خطر خودکشی را به همراه دارد (بال، ۲۰۰۴، ۲۰۰۵).

درباره نقش ویژگی‌های شخصیت (برای نمونه تکانش‌وری، پرخاشگری و هیجان‌جویی) بر رفتار اعتیادی، بررسی‌های زیادی انجام شده است. این بررسی‌ها گویای آن هستند که ویژگی‌های شخصیت در شروع، گسترش و تداوم وابستگی به مواد نقش دارند (بال، ۲۰۰۴؛ بارنس^۸، موری^۹، پاتون^{۱۰}، بنتلر^{۱۱} و آندرسون^{۱۲}، ۲۰۰۰). در یک بررسی بر پایه الگوی سه عاملی آیزنک^{۱۳} نشان داده شد افرادی که به مقدار زیادی الکل می‌نوشند در دو بعد روان‌رنجورخویی^{۱۴} (N) و روان‌پریش‌خویی^{۱۵} (P) نمرات بالاتری به دست می‌آورند (والتون و رابرتز، ۲۰۰۴). بررسی‌های انجام‌شده بر پایه الگوی پنج عاملی شخصیت کوستا^{۱۶} و مک‌کرا^{۱۷} (۱۹۹۲) نیز نشان‌دهنده رابطه میان وابستگی به مواد و ویژگی‌های شخصیت می‌باشند. فیشر^{۱۸}، الیاس^{۱۹} و ریتزا^{۲۰} (۱۹۹۸) نیز در

بررسی عود در معتادان، در پی‌گیری یک‌ساله نشان دادند افرادی که پس از ترک، عود داشتند در بعد N نمره بالا و در بعد باوجدان‌بودن^{۲۱} (C) نمره پایین به دست می‌آورند. مان^{۲۲}، وایز^{۲۳}، تراینیداد^{۲۴} و کوهانسکی^{۲۵} (۱۹۹۵) در بررسی ۴۰ نفر از افراد وابسته به مواد نشان دادند که این افراد در مقایسه با گروه بهنجار، در بعد N و برون‌گرایی^{۲۶} (E) نمرات بالا و در بعد دلبذیربودن^{۲۷} (A) نمرات پایین به دست می‌آورند. ترول^{۲۸} و شیر^{۲۹} (۱۹۹۴) بر پایه تحلیل همبستگی بر روی دانشجویان مصرف‌کننده مواد، به دو متغیر مرتبط با مصرف مواد دست یافتند؛ نخست یک شاخص آسیب‌شناسی روانی عام که در آن نمره‌های بالا در بعدهای N و انعطاف‌پذیری^{۳۰} (O) و نمره پایین در بعد C، هم‌زمان با افسردگی، اضطراب و سوء مصرف مواد همبستگی معنی‌دار دارد و دوم یک شاخص شخصیت ضداجتماعی که در آن نمره پایین در بعدهای A، C و N، نمره بالا در بعد E با سوء مصرف مواد همراه است. کویرک^{۳۱} و مک‌کورمیک^{۳۲} (۱۹۹۸) در بررسی یک نمونه ۳۲۵۶ نفری از مصرف‌کنندگان مواد دریافتند که هر چه نمره‌های بعد N بالاتر و نمره‌های

- 1- addictive personality or character
- 2- Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders, 3rd. ed.
- 3- American Psychiatric Association
- 4- Ball
- 5- Walton
- 6- Roberts
- 7- Krueger
- 8- Barnes
- 9- Murray
- 10- Patton
- 11- Bentler
- 12- Anderson
- 13- Eysenck
- 14- neuroticism
- 15- psychoticism
- 16- Costa
- 17- McCrae
- 18- Fisher
- 19- Elias
- 20- Ritza
- 21- conscientiousness
- 22- Mann
- 23- Wise
- 24- Trinidad
- 25- Kohanski
- 26- extraversion
- 27- agreeableness
- 28- Trull
- 29- Sher
- 30- openness
- 31- Quirk
- 32- McCormick

جمعیت سالم، راهبردهای حل مسأله غیرسازنده را بیشتر و افراد سالم از راهبردهای حل مسأله سازنده بیشتر بهره می گیرند. ۳- معتادان در مقایسه با جمعیت سالم، در همه الگوهای شخصیت، به ویژه الگوهای شخصیتی ضداجتماعی، مرزی، اجتنابی، وابسته و پارانویید نمره بالاتری به دست می آورند. ۴- همبستگی میان بعد N، راهبردهای حل مسأله غیرسازنده و ابعاد اختلال شخصیت، مثبت؛ و همبستگی عامل N با راهبردهای حل مسأله سازنده، منفی است. ۵- همبستگی میان ابعاد شخصیتی O، A و C با راهبردهای حل مسأله سازنده، مثبت و با ابعاد اختلال شخصیت، منفی است.

روش

جامعه آماری پژوهش حاضر، معتادان خودمعرف شهر رشت بودند. از این جامعه در یک بررسی توصیفی - مقطعی به روش نمونه گیری در دسترس، ۵۰ نفر معتاد که از اول شهریور ۱۳۸۳ تا نیمه آذر همان سال برای ترک اعتیاد برای نخستین بار به مرکز خودمعرف بهزیستی شهر رشت مراجعه کرده بودند، انتخاب شدند. ۵۰ نفر نیز از مردان عادی بدون سابقه اعتیاد که از نظر متغیرهایی چون سن، میزان تحصیلات، طبقه اجتماعی، شغل و وضعیت تأهل با گروه خودمعرف همتا شده بودند، به عنوان گروه مقایسه در نظر گرفته شدند. نمونه سالم از میان همراهان، نزدیکان و بستگان غیر معتاد مراجعان به مرکز خودمعرف بهزیستی شهر رشت انتخاب شدند. میانگین سنی آزمودنی ها ۲۷ سال (انحراف معیار ۲/۲۴) و دامنه سنی آنان ۱۸ تا ۳۳ سال بود.

گردآوری داده ها به کمک ابزارهای زیر انجام شد:

پرسش نامه پنج عاملی نئو- تجدیدنظرشده^۳ (NEO-FFI-R): این آزمون فرم کوتاه شده پرسش نامه شخصیت نئو- تجدیدنظرشده^۴ (NEO-PI-R) است که برای سنجش پنج عامل شخصیت افراد بزرگسال تهیه شده است. دامنه نمرات برای هر مقیاس صفر تا ۴۸ است که از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم تنظیم یافته است. همسانی درونی این پرسش نامه از ۰/۶۸ تا ۰/۸۶ و بازآزمایی با فاصله دو هفته ای ۰/۸۶ تا ۰/۹۰ برای پنج مقیاس گزارش شده است (مک کرا و کوستا، ۲۰۰۴). در ایران نیز ضریب پایایی به دست آمده برای عوامل

بعدهای A و C پایین تر باشد سطوح بالاتری از علائم افسردگی، کینه توزی، تکانش وری و مصرف چندگانه مواد در آنان دیده می شود. بال (۲۰۰۲) بعد روان رنجورخویی را با وابستگی به مواد و بسیاری از شاخص های اختلال روانی محور I مرتبط دانست. بال (۱۹۹۸) نشان داد که کسانی که تشخیص هم زمان اختلال های شخصیت، به ویژه خوشه B دریافت می کنند نمره بالا در بعد N و نمره های پایین در بعدهای A و C به دست می آورند.

گروهی بر این باورند آن چه که بر سلامت افراد تأثیر می گذارد خود استرس نیست بلکه الگوی مقابله با استرس است. از سویی راهبردهای مقابله ای به عنوان عاملی که در ارتباط بین فشار روانی و اختلال های روان پزشکی مداخله می کنند، مورد توجه بوده است. از این رو بررسی ابعاد راهبردهای مقابله برای پیش بینی سوء مصرف مواد، بر دفعات مصرف، تکمیل دوره درمان و فرآیند عود در میان معتادان دارای اهمیت است (بال، ۱۹۹۸). هژیر (۱۳۷۶) در بررسی سبک های مقابله ای در نمونه ای از معتادان به کوکائین با متوسط سنی ۳۲ سال نشان داد افرادی که در گذشته استرس های زیادی را تحمل کرده، از حمایت اجتماعی کمتری برخوردار بوده و از سبک مقابله هیجان مدار بیشتر استفاده کرده اند، با احتمال بالاتری به مصرف مواد روی می آورده اند. این افراد مصرف کوکائین را به عنوان شیوه ای برای مقابله با عوامل استرس زا در زندگی به کار برده اند.

نداشتن مهارت های مقابله ای کافی، یک عامل خطر مهم در شروع مصرف مواد در نوجوانان است (طوفانی و جوانبخت، ۱۳۸۰). هم چنین بین راهبردهای مقابله ای ضعیف و شیوه های حل مسأله نامناسب با مصرف مواد در معتادان رابطه گزارش شده است (بال، ۲۰۰۴، ۲۰۰۵؛ اسمیت^۱ و واشوسکی^۲، ۱۹۹۵؛ حاجی پور، ۱۳۸۱؛ ابراهیمی و موسوی، ۱۳۷۸).

با وجود این در بررسی های یاد شده به رابطه متقابل هم زمان عوامل شخصیتی، اختلال های شخصیت و سبک های حل مسأله در معتادان توجه شایسته نشده است. بررسی حاضر در این راستا و با توجه به فرضیه های زیر انجام شده است.

۱- معتادان در مقایسه با جمعیت سالم، نمرات بالاتری در بعد شخصیتی روان رنجورخویی (N) و نمرات پایین تر در ابعاد شخصیتی انعطاف پذیری (O)، دلپذیربودن (A)، و باوجدان بودن (C) به دست می آورند. ۲- معتادان در مقایسه با

1- Smyth
2- Washousky
3- Neuroticism Extraversion Openness-Five Factor Inventory-Revised
4- Neuroticism Extraversion Openness- Personality Inventory-Revised

A, O, E, N و C به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۷۵، ۰/۸۰، ۰/۷۹ و ۰/۷۹ بوده است (قرباغی، ۱۳۸۲). روایی این پرسش‌نامه به روش همبستگی مقیاس‌های آن با پرسش‌نامه تجدیدنظرشده شخصیت آیزنک- فرم کوتاه^۱ (EPQ-RS)، در دو عامل روان‌رنجورخویی با یکدیگر ۰/۷۲ و دو عامل برون‌گرایی ۰/۷۰ گزارش شده است. همبستگی مقیاس‌های دلپذیر بودن و باوجدان بودن با مقیاس روان‌پریش‌خویی، ۰/۳۲- و همبستگی عامل انعطاف‌پذیری با برون‌گرایی ۰/۲۲ به دست آمد. این روابط منطبق با نظریه‌های زیر ساز این پرسش‌نامه است (بخشی‌پور و باقریان خسروشاهی، ۱۳۸۵). روایی سازه این ابزار نیز در ایران به روش تحلیل عاملی انجام و تأیید شده است (گروسی فرشی، ۱۳۸۰).

مقیاس چندمحوری بالینی میلون- ۲ (MCMI-2): این مقیاس را میلون (۱۹۸۷) بر پایه نظریه زیستی- روانی- اجتماعی خود ساخته و در سال ۱۹۹۰ در آن تجدیدنظر کرد. MCMI-II یک ابزار خودسنجی ۱۷۵ پرسشی با گزینه‌های بلی/خیر و دارای ۲۲ مقیاس است که با تشخیص محور دو طبقه‌بندی اختلال‌های روانی یعنی اختلال‌های شخصیت و برخی اختلال‌های محور یک مرتبط می‌باشند. میلون (همان‌جا) شاخص حساسیت مقیاس‌های این پرسش‌نامه را از ۵۰٪ تا ۷۹٪، شاخص ویژگی را از ۹۱٪ تا ۹۸٪ و قدرت تشخیصی کلی را از ۸۸٪ تا ۹۷٪ گزارش نمود. گستره نمرات در مقیاس‌های شخصیت میلون از صفر تا ۱۱۵ است و نمرات خام به نمرات مقیاس پایه تبدیل می‌شوند. نقطه‌های برش ۷۵ تا ۸۵ به عنوان الگوها و سبک‌های شخصیتی و نقطه برش ۸۵ به بالا به عنوان نشانه اختلال شخصیت به شمار می‌روند (خواجه موگهی، ۱۳۷۳). ضرایب پایایی این مقیاس به روش کودر- ریچاردسون ۰/۸۵ و به روش بازآزمایی ۰/۸۶ گزارش شده است (همان‌جا).

مقیاس سبک حل مسئله^۲ (PSS): این مقیاس را کسیدی^۴ و لانگ^۵ (۱۹۹۶) ساخته‌اند و دارای ۲۴ پرسش است که شش عامل را می‌سنجد. هر کدام از عوامل در برگیرنده چهار ماده می‌باشد. این عوامل عبارتند از: درماندگی، مهارگری حل مسئله، سبک پرهیز، اعتماد در حل مسئله، سبک گرایش و سبک خلاق. پرسش‌های این مقیاس با گزینه‌های «بلی»، «خیر» و «نمی‌دانم» پاسخ داده می‌شوند. آزمودنی در برابر هر پرسش که شیوه واکنش وی را در برابر مسایل و موقعیت‌های خاص بیان می‌کند، موافقت یا مخالفت خود را نشان می‌دهد و اگر بین آن دو مردد بود می‌تواند گزینه «نمی‌توانم بگویم» را

برگزیند. نمره‌گذاری به شکل صفر و یک انجام می‌شود و برای گزینه «نمی‌توانم بگویم» نیز نمره ۰/۵ در نظر گرفته می‌شود. سه عامل سبک خلاق، اعتماد و گرایش، الگوی مسئله‌گشایی انطباقی و سه عامل درماندگی، مهارگری و پرهیز، سبک مسئله‌گشایی غیرانطباقی و ناسازگارانه را می‌سنجد. دامنه نمرات هر عامل بین صفر و چهار قرار می‌گیرد (همان‌جا). سازگاری درونی عوامل یادشده به ترتیب عبارتند از ۰/۸۶، ۰/۶۶، ۰/۷۱، ۰/۵۲ و ۰/۶۵ (کسیدی و برنساید^۶، ۱۹۹۶). این پرسش‌نامه به‌خوبی می‌تواند آسیب‌پذیری فرد را در برابر استرس نشان دهد و جمعیت سالم را از بیمار جدا کند (کسیدی و لانگ، ۱۹۹۶؛ کسیدی و برنساید، ۱۹۹۶). محمدی و صاحبی (۱۳۸۰) پایایی این مقیاس را از راه همسانی درونی (آلفای کرونباخ) برابر با ۰/۶۰ گزارش کردند. در بررسی باباپور و اژه‌ای (۱۳۸۱) این ضریب برابر با ۰/۷۷ و ضریب روایی آن ۰/۸۷ گزارش شده است. داده‌های گردآوری‌شده به کمک ضریب همبستگی و تحلیل واریانس چندمتغیره تحلیل شدند.

یافته‌ها

میانگین و انحراف معیار ابعاد شخصیتی معتادان خودمعرف و گروه بهنجار در جدول ۱ آمده است. برای سنجش این مسئله که معتادان در کدام ابعاد شخصیتی از گروه بهنجار متفاوتند، تحلیل واریانس چندمتغیره^۷ (MANOVA) انجام شد. نتایج، تفاوت معنی‌داری بین دو گروه نشان داد. لامبدای ویلکز برابر با ۰/۴۶ بود ($p < 0/001$, $F=21/97$). این شاخص نشان می‌دهد که دو گروه دست‌کم در یکی از ابعاد شخصیتی با هم متفاوت هستند. تفاوت دو گروه در ابعاد روان‌رنجورخویی ($p < 0/001$, $F=71/77$, $df=1$, 98)، انعطاف‌پذیری ($p < 0/001$, $F=30/44$, $df=1$, 98)، دلپذیر بودن ($p < 0/001$, $F=12/78$, $df=1$, 98) و باوجدان بودن ($p < 0/001$, $F=54/16$, $df=1$, 98) معنی‌دار بود و در بعد برون‌گرایی معنی‌دار نبود. معتادان خودمعرف در عامل روان‌رنجورخویی نمره بالاتر و در سه عامل انعطاف‌پذیری، دلپذیر بودن و باوجدان بودن نمره پایین‌تری به دست آوردند. این یافته، در تأیید فرضیه اول پژوهش بود.

1- Eysenck Personality Questionnaire-Revised-short Scale
2- Millon Clinical Multiaxial Inventory-II
3- Problem Solving Style 4- Cassidy
5- Lang 6- Burnside
7- multivariate analysis of variance

جدول ۱ - میانگین و انحراف معیار ابعاد شخصیتی معنادان خودمعرف و گروه بهنجار

ابعاد شخصیتی		ابعاد شخصیتی	ابعاد شخصیتی	ابعاد شخصیتی	ابعاد شخصیتی
روان رنجورخویی	برون گرایی	انعطاف پذیری	دلپذیر بودن	با وجدان بودن	
میانگین (انحراف معیار)	میانگین (انحراف معیار)	میانگین (انحراف معیار)	میانگین (انحراف معیار)	میانگین (انحراف معیار)	
معنادان خودمعرف	۲۷/۳۲ (۵/۵۵)	۲۷/۵۲ (۶/۳۲)	۲۵/۶۴ (۵/۹۵)	۲۵/۷۰ (۶/۸۳)	۲۶/۱۶ (۵/۸۶)
گروه بهنجار	۱۷/۳۰ (۶/۲۶)	۲۷/۳۶ (۷/۳۷)	۲۹/۷۸ (۵/۶۳)	۳۲/۴۲ (۵/۲۴)	۳۴/۷۸ (۵/۸۵)

میانگین راهبردهای مقابله سازنده و غیرسازنده در گروه معنادان خودمعرف به ترتیب $۱۶/۵۴ \pm ۲/۷۰$ و $۱۰/۵۶ \pm ۲/۸۰$ و در گروه بهنجار به ترتیب $۱۸/۸۸ \pm ۳/۳۵$ و $۶/۶۸ \pm ۳/۱۳$ به دست آمد. برای پاسخ دادن به این پرسش که آیا راهبردهای حل مسئله در دو گروه متفاوت است، تحلیل واریانس چندمتغیره انجام شد. لامبدای ویلکس برابر با $۰/۶۲$ و معنی دار بود ($F=۲۹/۵۵$, $p<۰/۰۰۱$) این یافته گویای آن است که دو گروه دست کم در یک راهبرد حل مسئله از هم متفاوتند. تفاوت دو گروه در هر دو راهبرد حل مسئله سازنده ($F=۱۴/۷۸$, $df=۱$, ۹۸ , $p<۰/۰۰۱$) و غیرسازنده ($F=۴۲/۷۳$, $df=۹۸$, ۱) معنی دار بود. معنادان خودمعرف در مقایسه با گروه بهنجار، از حل مسئله سازنده کمتر و در رویارویی با مشکلات، راه حل های غیرسازنده را بیشتر به کار می گرفتند. این یافته فرضیه دوم پژوهش حاضر را تأیید می کند.

در **جدول ۲** میانگین و انحراف معیار نمره های ابعاد الگوها و اختلال های شخصیت در گروه های معنادان و بهنجار نشان داده شده است. برای پاسخ به این پرسش که آیا بین دو گروه در این ابعاد تفاوت وجود دارد یا خیر (فرضیه سوم پژوهش)، تحلیل واریانس چندمتغیره به کار برده شد و لامبدای ویلکس برابر با $۰/۴۵$ به دست آمد ($p<۰/۰۰۱$)، این یافته نشان می دهد که دو گروه دست کم در یکی از ابعاد سیزده گانه الگوها و اختلال شخصیت از هم متفاوتند. دو گروه جز در بعد وسواسی-اجباری در سایر ابعاد از لحاظ آماری تفاوت معنی دار داشتند ($p<۰/۰۰۱$). این یافته گویای آن است که معنادان در اختلال های شخصیت مرزی، فعل پذیر-پرخاشگر، پارانوئید و ضد اجتماعی نمرات بسیار بالاتری در مقایسه با گروه بهنجار به دست می آورند.

جدول ۲ - میانگین و انحراف معیار معنادان و گروه بهنجار در ابعاد الگوها و اختلال های شخصیت

میانگین (انحراف معیار)	میانگین (انحراف معیار)	گروه بهنجار	معنادان خودمعرف
۷۲/۵۲ (۱۰/۶۳)	۵۷/۶۴ (۱۹/۱۷)	اسکیزوئید	
۷۲/۲۴ (۱۲/۸۰)	۵۷/۹۶ (۱۸/۷۷)	اجتنابی	
۶۹/۶۰ (۱۵/۵۴)	۶۰/۷۶ (۲۰/۷۸)	وابسته	
۷۰/۹۲ (۱۱/۳۱)	۶۳/۴۸ (۱۱/۸۷)	نمایشی	
۸۵/۰۶ (۱۴/۰۴)	۷۲/۷۶ (۱۶/۷۴)	خودشیفته	
۷۶/۲۲ (۱۱/۸۵)	۶۳/۷۲ (۱۱/۲۷)	ضد اجتماعی	
۸۲/۴۸ (۱۳/۸۹)	۷۱/۱۴ (۱۸/۶۷)	سادستی	
۷۰/۰۰ (۱۶/۴۲)	۷۲/۸۸ (۱۳/۱۸)	وسواسی-اجباری	
۷۹/۹۲ (۱۶/۴۹)	۵۸/۵۰ (۲۰/۱۳)	فعل پذیر-پرخاشگر	
۷۳/۱۲ (۹/۶۹)	۵۷/۴۴ (۱۹/۲۷)	آزارطلبانه	
۶۸/۳۲ (۷/۴۷)	۶۱/۹۰ (۹/۸۰)	اسکیزوتایپی	
۷۳/۱۴ (۷/۶۷)	۵۴/۶۲ (۱۲/۹۴)	مرزی	
۷۶/۴۰ (۱۰/۹۰)	۶۲/۱۶ (۱۱/۹۸)	پارانوئید	

یافته های مقابله سازنده و غیرسازنده در گروه معنادان خودمعرف به ترتیب $۱۶/۵۴ \pm ۲/۷۰$ و $۱۰/۵۶ \pm ۲/۸۰$ و در گروه بهنجار به ترتیب $۱۸/۸۸ \pm ۳/۳۵$ و $۶/۶۸ \pm ۳/۱۳$ به دست آمد. برای پاسخ دادن به این پرسش که آیا راهبردهای حل مسئله در دو گروه متفاوت است، تحلیل واریانس چندمتغیره انجام شد. لامبدای ویلکس برابر با $۰/۶۲$ و معنی دار بود ($F=۲۹/۵۵$, $p<۰/۰۰۱$) این یافته گویای آن است که دو گروه دست کم در یک راهبرد حل مسئله از هم متفاوتند. تفاوت دو گروه در هر دو راهبرد حل مسئله سازنده ($F=۱۴/۷۸$, $df=۱$, ۹۸ , $p<۰/۰۰۱$) و غیرسازنده ($F=۴۲/۷۳$, $df=۹۸$, ۱) معنی دار بود. معنادان خودمعرف در مقایسه با گروه بهنجار، از حل مسئله سازنده کمتر و در رویارویی با مشکلات، راه حل های غیرسازنده را بیشتر به کار می گرفتند. این یافته فرضیه دوم پژوهش حاضر را تأیید می کند.

در **جدول ۲** میانگین و انحراف معیار نمره های ابعاد الگوها و اختلال های شخصیت در گروه های معنادان و بهنجار نشان داده شده است. برای پاسخ به این پرسش که آیا بین دو گروه در این ابعاد تفاوت وجود دارد یا خیر (فرضیه سوم پژوهش)، تحلیل واریانس چندمتغیره به کار برده شد و لامبدای ویلکس برابر با $۰/۴۵$ به دست آمد ($p<۰/۰۰۱$)، این یافته نشان می دهد که دو گروه دست کم در یکی از ابعاد سیزده گانه الگوها و اختلال شخصیت از هم متفاوتند. دو گروه جز در بعد وسواسی-اجباری در سایر ابعاد از لحاظ آماری تفاوت معنی دار داشتند ($p<۰/۰۰۱$). این یافته گویای آن است که معنادان در اختلال های شخصیت مرزی، فعل پذیر-پرخاشگر، پارانوئید و ضد اجتماعی نمرات بسیار بالاتری در مقایسه با گروه بهنجار به دست می آورند.

یافته های مربوط به سنجش ارتباط متقابل ابعاد شخصیتی، راهبردهای حل مسئله و الگوها و اختلال های شخصیت، هم چنین ضرایب همبستگی میان این سازه ها و

جدول ۳- ضرایب همبستگی ابعاد شخصیتی، راهبردهای حل مسأله و اختلال‌های شخصیت

متغیرها	روان‌رنجورخویی	برون‌گرایی	انعطاف‌پذیری	دلپذیربودن	باوجدان‌بودن	حل مسأله سازنده	حل مسأله غیرسازنده
روان‌رنجورخویی	-						
برون‌گرایی	۰/۰۲	-					
انعطاف‌پذیری	-۰/۳۰***	۰/۰۱	-				
دلپذیربودن	-۰/۴۳***	-۰/۱۵	۰/۴۱***	-			
باوجدان‌بودن	-۰/۵۵***	-۰/۰۹	۰/۱۹	۰/۴۵***	-		
حل مسأله سازنده	-۰/۳۹***	۰/۰۱	۰/۱۱	۰/۲۰*	۰/۲۱*	-	
حل مسأله غیرسازنده	۰/۴۷***	۰/۰۴	-۰/۲۹***	-۰/۲۴*	-۰/۳۳***	-۰/۱۷	-
اسکیزوئید	۰/۳۲**	-۰/۰۲	-۰/۳۲**	-۰/۲۴*	-۰/۳۳***	-۰/۱۸	۰/۳۲**
اجتنابی	۰/۳۰**	۰/۰۱	-۰/۲۹**	-۰/۲۷**	-۰/۲۶*	-۰/۲۷**	۰/۲۷**
وابسته	۰/۲۲*	-۰/۱۱	-۰/۱۶	-۰/۲۰*	-۰/۱۸	-۰/۱۷	۰/۱۵
نمایشی	۰/۲۱*	۰/۱۶	۰/۰۴	-۰/۰۹	-۰/۱۶	-۰/۰۴	۰/۱۶
خودشیفته	۰/۲۹**	۰/۱۱	۰/۰۵	-۰/۲۱*	-۰/۱۶	-۰/۰۵	۰/۱۹
ضداجتماعی	۰/۴۰**	۰/۰۲	-۰/۱۱	-۰/۳۲**	-۰/۲۶**	-۰/۱۲	۰/۲۸**
سادستی	۰/۳۴**	۰/۰۷	۰/۰۵	-۰/۱۲	-۰/۰۹	-۰/۰۱	۰/۲۰*
وسواسی- اجباری	۰/۰۸	-۰/۱۱	۰/۱۸	۰/۱۷	۰/۲۳*	۰/۲۰*	۰/۰۱
فعل‌پذیر- پرخاشگر	۰/۳۹**	۰/۰۸	-۰/۲۶**	-۰/۳۶**	-۰/۴۷**	-۰/۱۷	۰/۲۱*
آزارطلبانه	۰/۴۱**	-۰/۰۷	-۰/۲۴**	-۰/۳۷**	-۰/۳۸**	-۰/۳۱**	۰/۳۲**
اسکیزوتایپی	۰/۲۶**	-۰/۰۵	-۰/۱۶	-۰/۱۹	-۰/۲۶*	-۰/۰۵	۰/۲۱*
مرزی	۰/۵۰**	-۰/۰۹	-۰/۱۹	-۰/۴۰**	-۰/۵۲**	-۰/۲۸**	۰/۴۴**
پارانویید	۰/۵۰**	۰/۰۴	-۰/۱۹	-۰/۲۹**	-۰/۲۳*	-۰/۱۵	۰/۲۳*

* $p < 0.05$; ** $p < 0.01$

بحث

تأثیر را نمی‌توان تعیین کرد و باید به اندازه و میزان همبستگی بسنده نمود.

بررسی‌های انجام‌شده در زمینه شخصیت و اعتیاد نشان داده‌اند که معتادان در عامل شخصیتی روان‌رنجورخویی نمرات بالایی به دست می‌آورند (والتون و رابرتز، ۲۰۰۴؛ فیشر، الیاس^۱ و ریتزا^۲، ۱۹۹۸؛ ترول و شر، ۱۹۹۴؛ کویرک و مک کورمیک، ۱۹۹۸؛ بال، ۱۹۹۸، ۲۰۰۲، ۲۰۰۴، ۲۰۰۵). ترول و شر (۱۹۹۴) گروهی از معتادان را که ضداجتماعی می‌خوانند، در عامل روان‌رنجورخویی دارای نمره پایین گزارش نموده‌اند. در پژوهش حاضر میانگین نمره معتادان در مقایسه با جمعیت عادی در عامل روان‌رنجورخویی بالا و از نظر آماری معنی‌دار بود. این عامل نشان‌دهنده میزان تجربه احساسات و عواطف منفی از جمله ترس، غم، شرم، خشم، گناه، نفرت و کینه‌توزی در برابر استرس است (کوستا و

الگوی که از رابطه میان ویژگی‌ها، الگوها و اختلال‌های شخصیت از یکسو و اعتیاد از سوی دیگر، بر پایه بررسی‌های انجام‌شده به ذهن می‌رسد، این است که سه نوع سرشت فراگیر از آغاز تولد قابل شناسایی هستند که در سراسر زندگی نسبتاً ثابت می‌مانند: اجتماع‌پذیری، هیجانی‌بودن و سطح فعالیت (کاویانی، ۱۳۸۲). این سه سرشت فراگیر در تعامل با محیط و الگوهای فرزندپروری موجب شکل‌گیری عامل‌های شخصیتی می‌شوند. این عامل‌ها با تأثیر بر الگوهای مقابله‌ای، به کارگیری الگوهای انطباقی و غیرانطباقی را در پی دارند. این رابطه در پژوهش‌های طولی انجام‌شده در زمینه اعتیاد، تأیید شده است (بارنس و همکاران، ۲۰۰۰). در این مسیر بیماری بر الگوهای مقابله و شخصیت تأثیر می‌گذارد. در بررسی‌های همبستگی و از جمله بررسی حاضر، جهت علی

معتاد و گروه بهنجار بود. بررسی حاضر با پژوهش‌های والتون و روبرتز (۲۰۰۴) هم‌سویی دارد اما با یافته‌های مان و همکاران (۱۹۹۵) و فیشر و همکاران (۱۹۹۸) هم‌سو نیست. به نظر می‌رسد درون‌گرایی و برون‌گرایی با نوع ماده مصرفی ارتباط دارد. با وجود این آزمودنی‌های پژوهش در این بررسی تنها یک ماده مصرف نمی‌کرده‌اند. به هر روی ارتباط عامل شخصیتی درون‌گرایی / برون‌گرایی و نوع ماده مصرفی زمینه‌ای است که نیاز به پژوهش بیشتر دارد.

الگوی مقابله معتادان، غیرسازنده و غیر انطباقی است (بال، ۲۰۰۴، ۱۹۹۸؛ هژیور، ۱۳۷۶؛ اسمیت و واشوسکی، ۱۹۹۵؛ حاجی پور، ۱۳۸۱؛ طوفانی و جوانبخت، ۱۳۸۰؛ ابراهیمی و موسوی، ۱۳۷۸). البته تجربه اعتیاد، شکل‌گیری این الگوهای مقابله‌ای را آسان و تسریع می‌کند. مقابله عاملی است که به افراد کمک می‌کند تا آرامش روانی خود را در دوره‌های استرس حفظ کنند. مقابله دربرگیرنده تلاش‌های شناختی و رفتاری است که شرایط استرس‌زا و ناراحتی هیجانی همبسته با آن شرایط را کاهش یا افزایش می‌دهند. شیوه مقابله اگر انطباقی باشد موجب چیرگی بر مشکلات می‌گردد و اگر غیرانطباقی باشد، اثرات زیان‌بار بلندمدت به‌دنبال دارد (لازاروس و فولکمن، ۱۹۸۴). سوء مصرف مواد خود یک راهبرد مقابله‌ای غیرانطباقی است. بررسی حاضر نشان داد که معتادان از راهبردهای مقابله‌ای و حل مسأله غیرسازنده بهره می‌گیرند.

درباره رابطه رفتار اعتیادی با الگوها و اختلال‌های شخصیت، بررسی حاضر تنها گویای آن بود که میانگین نمره معتادان در همه الگوهای ناسالم شخصیت بالاتر از جمعیت عادی است اما این بالا بودن به معنی دریافت تشخیص اختلال شخصیت نیست. در این بررسی به الگوها و اختلال‌های شخصیت به شکل ابعادی و پیوستاری نگریسته شده و تفاوت میانگین معتادان در مقایسه با جمعیت عادی در همه الگوها، به غیر از مقیاس وسواس از تفاوت معنی‌دار برخوردار بود. برخی بررسی‌های انجام شده در این زمینه از رویکرد ابعادی و برخی دیگر از رویکرد مقوله‌ای بهره جسته‌اند. همه پژوهش‌ها بر این باور بوده‌اند که بیشتر معتادان دست کم یک تشخیص هم‌زمان اختلال شخصیت را دریافت می‌کنند (بال، ۲۰۰۵،

مک‌کرا، ۱۹۹۲). برخی پژوهشگران روان‌رنجورخویی را همان هیجان‌پذیری یا عاطفه منفی نامیده‌اند و آن را عامل آسیب‌پذیری در برابر اختلال‌های روانی و از جمله اضطراب، افسردگی و وابستگی به مواد عنوان نموده‌اند (واتسون، کلارک^۲ و هارکنس^۳، ۱۹۹۴).

پژوهش‌های یادشده افزون بر عامل روان‌رنجورخویی، معتادان را در عامل‌های دل‌پذیر بودن، انعطاف‌پذیری و باوجدان بودن دارای نمره پایین گزارش نموده‌اند. افراد دارای نمره پایین در دل‌پذیر بودن، منفی‌گرا، خودبین، مشکوک به نیات دیگران و رقابت‌گرا هستند. نمره‌های پایین در این عامل با اختلال‌های شخصیت خودشیفته، ضداجتماعی و پارانویید مرتبط است، در حالی که نمره‌های بسیار بالا در این بعد با اختلال‌های شخصیت وابسته مرتبط است (کوستا و مک‌کرا، ۱۹۹۲). در بررسی حاضر، میانگین نمره معتادان در این عامل پایین‌تر از افراد عادی به‌دست آمد و این یافته با یافته‌های پژوهش‌های پیشین هم‌سو است. افراد دارای نمره‌های پایین در عامل باوجدان بودن، آسان‌گیر و اهمال‌کارند، یعنی در کار و تلاش معطوف به هدف، بی‌علاقه و بی‌شور و شوق‌اند. این افراد تکانشور و لذت‌گرا می‌باشند (کوستا و مک‌کرا، ۱۹۹۲). همان‌گونه که بیان شد معتادان در این عامل نمره پایین می‌آورند. هم در نظریه زیستی-اجتماعی کلونینجر^۴ (۱۹۸۷) و هم در نظریه هیجان‌جویی زاگرم^۵ (۲۰۰۴) تأکید شده است که جستجوی تازگی^۶ همراه با آسیب‌گریزی^۷ پایین، هسته رفتار تکانشوری را تشکیل می‌دهد و تکانشوری با سوء مصرف مواد و شخصیت ضداجتماعی همبستگی بالا دارد. تکانشوری نیز در الگوی پنج عاملی، زیر عامل باوجدان بودن، بار منفی و معنی‌دار می‌گیرد؛ به بیان دیگر، نمره پایین در عامل باوجدان بودن با رفتار تکانشی و غیرمحتاطانه مشخص می‌گردد. بررسی حاضر با یافته‌های یادشده در بالا هم‌سو است. افرادی که در عامل انعطاف‌پذیری نمره پایین می‌گیرند، دارای رفتار سنتی و دیدگاه، محافظه‌کارانه هستند. این اشخاص امور آشنا و پیش‌پا افتاده را به پدیده‌های نو و بدیع ترجیح می‌دهند و پاسخ‌های هیجانی آنها تا اندازه‌ای ملایم است (کوستا و مک‌کرا، ۱۹۹۲). ترول و شیر (۱۹۹۴) نمره پایین در این بُعد را عامل عام آسیب‌شناسی روانی شمرده‌اند. در بررسی حاضر نمره معتادان در این بعد پایین‌تر از نمونه عادی بود. در بعد برون‌گرایی یافته‌های این بررسی گویای نبود تفاوت معنی‌دار بین افراد

1- Watson
2- Clark
3- Harkness
4- Cloninger
5- Zuckerman
6- novelty seeking
7- harm avoidance

۲۰۰۴؛ والتون و رابرتز، ۲۰۰۴؛ رانسویل^۱ و همکاران، ۱۹۹۸). در این بررسی نیز وجود ویژگی‌ها و الگوهای ناسالم شخصیتی تأیید شد. میانگین معتادان در بیشتر مقیاس‌ها بالاتر از میزان‌های پایه (۷۰) بود.

در مجموع نمره معتادان در پیوستار عامل‌های شخصیتی بیشتر به سوی منفی گرایش دارد (برای نمونه روان‌رنجوری بالا، انعطاف‌پذیری، دلپذیر بودن و باوجدان بودن پایین). معتادان هم‌چنین در برابر استرس و مشکلات زندگی الگوهای مقابله و حل مسئله غیرسازنده به کار می‌برند و سرانجام این که ویژگی‌های شخصیتی ناسالم در آنها بیشتر دیده می‌شود. درمانگرانی که به درمان معتادان می‌پردازند لازم است که یک ارزیابی شخصیتی گسترده از معتادان به عمل آورند و در سازه‌های شخصیتی مختل را در فرد معتاد شناسایی نمایند و در کنار درمان دارویی به درمان اختلال‌های شخصیتی و آموزش راهبردهای مقابله‌ای سازنده و کارآمد آنان نیز اقدام نمایند. الگوهای مقابله با استرس در معتادان که یک روش ناسالم در رویایی با شرایط فشارزا است باید به کمک آموزش مهارت‌های مقابله‌ای تصحیح شود. چنین آموزش‌هایی به‌ویژه در پیش‌گیری از عود بیماری بسیار مؤثر است.

حجم کم نمونه و شیوه نمونه‌گیری در دسترس را می‌توان از محدودیت‌های پژوهش به‌شمار آورد. انجام پژوهش حاضر در نمونه‌های بزرگ‌تر می‌تواند به تشخیص زیرساخت‌های متمایزتر کمک کند. بهره‌گیری از رویکرد ابعادی محدودیت دیگر پژوهش به‌شمار می‌رود. نمونه‌های معتاد و سالم روی پیوستار عامل‌های شخصیت و الگوهای ناسالم شخصیت با توجه به میانگین‌های آنها مقایسه شدند. در رویکرد مقوله‌ای، به کمک مصاحبه‌های ساختاری تشخیص هم‌زمان وابستگی به مواد و اختلال‌های شخصیت، برآورد می‌شود. با توجه به محدودیت‌های یادشده، انجام پژوهش در یک جمعیت معتاد بزرگ‌تر، به شکل طولی و نیز با رویکرد مقوله‌ای پیشنهاد می‌شود.

سپاسگزاری

از ریاست و کارکنان سازمان بهزیستی شهرستان رشت که در انجام پژوهش همکاری نمودند، قدردانی می‌شود.

منابع

ابراهیمی، احمد؛ موسوی، غلامرضا (۱۳۷۸). *بررسی الگوهای مقابله‌ای در معتادان خود-معرف مرکز پیشگیری اعتیاد در اصفهان*. مقاله ارائه شده در چهارمین کنگره سراسری استرس. دانشگاه علوم پزشکی ایران، ۲۸-۲۵ خرداد ماه.

باباپور خیرالدین، جلیل؛ ازه‌ای، محمد جواد (۱۳۸۱). بررسی رابطه شیوه حل مسئله، شیوه حل تعارض و سلامت روانشناختی در میان دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس. *مجله روانشناسی*، سال هفتم، شماره اول، ۱۶-۳.

بخشی پور، عباس؛ باقریان خسروشاهی، صنم (۱۳۸۵). ویژگی‌های روانسنجی پرسش‌نامه تجدیدنظرشده شخصیت آیزنک- فرم کوتاه (EPQ-RS). *روانشناسی معاصر*، سال اول، شماره ۲، ۱۲-۳.

حاجی‌پور، حسن (۱۳۸۱). *بررسی نگرش‌های ناکارآمد، میزان استرس و راهبردهای مقابله با استرس در مرکز معتادین خودمعرف با افراد عادی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی. انستیتو روانپزشکی تهران.

خواجیه مگه‌گی، ناهید (۱۳۷۳). *آمادگی مقابله‌ای فرم فارسی پرسش‌نامه چندمحوری میلون در تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی. انستیتو روانپزشکی تهران.

طوفانی، حمید؛ جوانیخت، مریم (۱۳۸۰). شیوه‌های مقابله و نگرش‌های ناسالم در معتادان به مواد مخدر و افراد سالم. *فصلنامه اندیشه و رفتار*، سال هفتم، شماره ۱ و ۲، ۶۲-۵۵.

قراباغی، حسین (۱۳۸۲). *بررسی رابطه بین صفات (عوامل) شخصیتی و رضایت شغلی کارکنان کارخانه تراکتورسازی ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی. دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه تبریز.

کاویانی، حسین (۱۳۸۲). *نظریه زیستی شخصیت*. تهران: دفتر انتشارات مؤسسه مطالعات علوم شناختی.

گروسی فرشی، میرتقی (۱۳۸۰). *رویکردهای نوین در ارزیابی شخصیت*. تبریز: نشر جامعه پژوه.

محمدی، فریده؛ صاحبی، علی (۱۳۸۰). بررسی سبک حل مسئله در افراد افسرده و مقایسه با افراد عادی. *مجله علوم روانشناختی*، سال اول، شماره اول، ۴۲-۲۴.

هزیر، فرهاد (۱۳۷۶). *بررسی رابطه اختلال‌های شخصیت ضد اجتماعی و مرزی با اعتیاد به مواد مخدر (شیره- تریاک- هروئین) در مردان ۱۸ تا ۳۵ ساله کرمانشاهی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه تهران.

American Psychiatric Association (1980). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders* (3rd. ed). Washington, DC: Author.

Ball, S. A. (1998). Manualized treatment for substance abusers with personality disorders: Dual Focus Schema Therapy. *Addictive Behaviors*, 23, 883-891.

Ball, S. A. (2002). Big five, alternative five, and seven personality dimensions: Validity in substance dependent patients. In P. T. Costa, & T. A. Widiger (Eds.), *Personality disorders and the five-factor model of*

- personality* (2nd. ed.). Washington, DC: American Psychological Association.
- Ball, S. A. (2004). Personality traits, disorders, and substance abuse. In R. M. Stelmack (Ed.), *On the psychobiology of personality: Essays in honor of Marvin Zuckerman*. New York: Pergamon.
- Ball, S. A. (2005). Personality traits, problems, and disorders: Clinical applications to substance use disorders. *Journal of Research in Personality*, 39, 84-102.
- Barnes, G. E., Murray, R. P., Patton, D., Bentler, P. M., & Anderson, R. E. (2000). *The addiction-prone personality*. New York: Plenum Publishers.
- Cassidy, T., & Burnside, E. (1996). Cognitive appraisal, vulnerability and coping an integrative analysis of appraisal and coping mechanisms. *Counseling Psychology Quarterly*, 9, 261-279.
- Cassidy, T., & Lang, C. (1996). Problem-solving style, stress and psychological illness. *British Journal of Clinical Psychological Society*, 35, 265-277.
- Cloninger, C. R. (1987). A systematic method for clinical description and classification of personality variants. *Archives of General Psychiatry*, 44, 573-585.
- Costa, P. T., & McCrae, R. R. (1992). *Revised NEO Personality Inventory and NEO Five-Factor Inventory*. Odessa, FL: Psychological Assessment Resources.
- Fisher, L. A., Elias, I. W., & Ritza, K. (1998). Predicting relapse to substance abuse as a function. *Critical Experimental Research*, 22, 1041-1047.
- Krueger, R. F. (2002). Personality from a realist's perspective: Personality traits, criminal behaviors, and the externalizing spectrum. *Journal of Research in Personality*, 36, 564-572.
- Lazarus, R. S., & Folkman, S. (1984). *Stress and the coping process*. New York: Springer.
- Mann, L. S., Wise, T. N., Trinidad, A., & Kohanski, R. (1995). Alexithymia, affect, recognition, and five factors of personality in substance abusers. *Perceptual and Motor Skills*, 81, 35-40.
- McCrae, R. R., & Costa, P. T. (2004). A contemplated revision of NEO Five-Factor Inventory. *Personality and Individual Differences*, 36, 587-596.
- Millon, T. (1987). *Manual for the MCMI-II* (2nd. ed.). Minneapolis, MN: National Computer Systems.
- Quirk, S. W., & McCormick, R. A. (1998). Personality subtypes, coping styles, symptom correlates, and substances of choice among a cohort of substance abusers. *Assessment*, 5, 157-170.
- Rounsaville, B. J., Kranzler, H. R., Ball, S., Tennen, H., Poling, J., & Triffleman, E. (1998). Personality disorders in substance abusers: Relation to substance use. *Journal of Nervous and Mental Disease*, 186, 87-95.
- Smyth, N. J., & Washousky, R. C. (1995). The coping styles of alcoholics with Axis II disorders. *Journal of Substance Abuse*, 7, 425-435.
- Trull, T. J., & Sher, K. J. (1994). Relationship between the five-factor model of personality and axis I disorders in a non-clinical sample. *Journal of Abnormal Psychology*, 103, 350-360.
- Walton, K. E., & Roberts, B. W. (2004). On the relationship between substance use and personality traits: Abstainers are not maladjusted. *Journal of Research in Personality*, 38, 514-535.
- Watson, D., Clark, L. A., & Harkness, A. R. (1994). Structures of personality and their relevance to psychopathology. *Journal of Abnormal Psychology*, 103, 18-31
- Zuckerman, M. (2004). The shaping of personality: Genes, environments, and chance encounters. In R. M. Stelmack (Ed.), *On the psychobiology of personality: Essays in honor of Marvin Zuckerman*. New York: Pergamon.